



جام فریدون

پدیدآورده (ها) : آیدنلو، سجاد

ادبیات و زبانها :: پاژ :: زمستان 1387 - شماره 4

از 203 تا 212

آدرس ثابت : <http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1124819>

دانلود شده توسط : مهدی ابراهیمی

تاریخ دانلود : 30/09/1395

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

www.noormags.ir

جام فریدون

سجاد آیدنلو

(دانشگاه پیام نور اورمیّه)

به پاس رنج و همت دانشمندی که برای تصحیح و تحقیق شاهنامه بزرگ شدن فرزندان را ندید.

چکیده

با توجه به اهمیت جامهای گوناگون در تاریخ، فرهنگ و آیینهای اقوام مختلف از جمله ایران، در روایات حماسی جامهایی به برخی از شخصیتها از جمله کیخسرو، اسکندر، جمشید و ... نسبت داده شده که بعضی عنوان رازگشا دارد و بعضی دیگر ساغر باده‌پیمایی است. در بهمن نامه ابیاتی است که انتساب جام جمشید را مرده ریگ فریدون می‌شناسد. در این گفتار کوشش شده است با بررسی موارد مختلف گامهایی در شناخت این جام و موارد کاربرد آن برداشته شده است.

واژه‌های کلیدی: فریدون، جمشید، جام گیتی، جام زر.

فراموش تو را مهتران چون کنند؟ مگر مغز و دل پاک بیرون کنند

در بهمن نامه آمده است که هنگامی که بهمن به دخمه‌ی رستم می‌رود، در آنجا طبق نوشته‌ی لوح آرامگاه از زیر بالین تهمتن:

برون کرد از او جام گیتی نمای کجا داشت کیخسرو پاک رای
به بخشش فریدون فرخنده پی نمودی همه هفت کشور به کی
ز یاقوت سرخ آن گران مایه جام یکی شیشه از زر گرفته تمام

ز بالای خانه فرود آورید پر از کیمیا بود چون شنبلید^۱
 در این چند بیت اگر ضبط مصراع نخست بیت دوم درست باشد، ظاهراً جام
 جهان نمای کیخسرو در اصل متعلق به فریدون و یادگاری از او دانسته شده است
 (بخشش فریدون؟)

باتوجه به اهمیت جامهای گوناگون در تاریخ، فرهنگ و آیینهای اقوام و کشورهای
 مختلف از جمله ایران^۲، در متون و روایات ایرانی جامهایی به برخی شخصیتها (اعم از
 ایرانی و غیر ایرانی) نسبت داده شده که بعضی از آنها دارای ویژگی جهان نمایی و
 رازگشایی است و شماری دیگر صرفاً ساغر باده گساری که به دلیل شهرت به کار برنده
 و صاحب (منسوب الیه) آنها معروف شده است. مشهورترین این جامها عبارت است از:
 جام کیخسرو، جام جمشید^۳، جام اسکندر^۴، جام مقدس حضرت مسیح (ع)^۵، جام
 کاووس^۶، جام انوشیروان^۷، جام فرعون^۸، جام حضرت یوسف (ع)^۹ و جام حضرت
 سلیمان (ع)^{۱۰}.

چنان که ملاحظه می‌شود در این فهرست نامی از جام ویژه‌ی فریدون نیست و تا
 جایی که نگارنده در منابع متعدّد (اوستایی، پهلوی، فارسی و عربی) مربوط به فریدون و
 پژوهشهایی که به انواع جامهای مخصوص و معروف در فرهنگ و ادب ایران پرداخته‌اند^{۱۱}،
 جستجو کرده اشاره یا بحثی درباره‌ی «جام فریدون» نیافته است اما غیر از شاهد نه
 چندان روشن و استوار بهمن نامه، بر اساس یکی دو قرینه‌ی دیگر نیز می‌توان احتمال
 داد که شاید فریدون هم جامی داشته است.

در حدود بررسی‌های نگارنده کهن ترین مأخذی که آشکارا از «جام فریدون» نام
 برده، قصیده‌ای است از منجیک ترمذی که بنا بر پاره‌ای قراین تاریخی زمان سرایش آن
 بین سالهای (۳۸۰-۳۸۵ ه.ق) حدس زده شده است.^{۱۲} مطلع قصیده این است:
 مرا ز دیده گرفت آفتاب خواب زوال کجا بر آید خیل ستارگان خیال
 و پیش از بیتهای شریطه در وصف ممدوح آن آمده:

به یاد جام فریدون گرفته رطل به دست به خیل جود گشاده حصار بیت المال^{۱۳}

تلمیحات مختلف شاهنامه‌ای در اشعار باقی مانده‌ی منجیک^{۱۴} نشان می‌دهد که او با داستانهای حماسی - اساطیری ایران آشنا بوده است و از این روی چه بسا ترکیب «جام فریدون» نیز در قصیده‌ی او مبتنی بر منبع / منابع یا روایاتی (کتبی یا شفاهی) باشد که در آن روزگار وجود داشته و رایج بوده و امروز به دست ما نرسیده یا فعلاً ناشناخته است.

مرحوم علامه دهخدا در لغت نامه (ذیل ماده‌ی «جام فریدون») (بیتی از امیر خسرو دهلوی به نقل از فرهنگ آندراج شاهد آورده‌اند که به عنوان یکی از شواهد بسیار معدود این جام در شعر فارسی سخت مهم است:

هست در دست چیت جام فریدون راستی

هرچه زان سو می‌ستانی از کرم زین سوببخش

در یکی از ابیات مخاطبه‌ی ساقی در شرف نامه می‌خوانیم:

بیا ساقی آن جام زرین بیار که ماند از فریدون و جم یادگار^{۱۵}

نظامی با میراث ادب حماسی ایران مانوس بوده است و به همین جهت مردری ماندن «جام» از «فریدون» - چنان که از جمشید - در بیت او می‌تواند اشاره‌ای ظریف و درخور درنگ باشد.

در *ریاض‌السیاحه*^{۱۶} هم «جام گیتی نما» نام کتابی از «فریدون» دانسته شده است: «فریدون را کتابی است جام گیتی نما نام دارد و در آن مسائل حکیمه بسیار است» و «اکثر موبدان بر آنند که کیخسرو به دین فریدون بوده و به گفتار فریدون عمل می‌کرده لیکن نامه‌ی هوشنگ از برداشتی و مضمون جام گیتی‌نمای فریدون مهمل نمی‌گذاشتی»^{۱۷} با استناد بر این شواهد اندک و اشاره‌ی مبهم گونه‌ی بهمن نامه، با قید احتمال و احتیاط می‌توان «جام فریدون» را نیز بر مجموع جامهای ویژه‌ی فرهنگ و ادب ایران افزود.

در شاهنامه هیچ اشاره‌ای به موروثی بودن جام کیخسرو از شاهان و بزرگان پیشین وجود ندارد اما اگر در کنار بهمن نامه - که به دلیل درونمایه‌ی متن و استناد آن بر مأخذی منشور، در موضوع مورد بحث منبعی معتبر شمرده می‌شود - اسناد و قراین اصیل

دیگری درباره‌ی تعلق جام گیتی نما به فریدون یافته شود، شاید بتوان این جام شگفت و مخصوص را نیز همچون متعلقات مشهور دیگر (تخت، درفش و گرز گاوسر) از آن فریدون دانست که طبق قانون توارث در روایات حماسی، از او به کیخسرو رسیده است ولی در غیر این صورت که شرایط فعلی است محتملاً باید به سان موضوع «جام جمشید» در اینجا نیز به قلب/ بازگونگی انتساب قایل شد^{۱۸} و گفت که برخلاف بیشتر مصادیق انتقال در روایات حماسی - اساطیری که ابزارها و متعلقات نیا برای فرزندان و فرزندزادگان و به طور کلی نسلهای سپسین به یادگار می ماند - چنان که مثلاً تخت از فریدون - جام ویژه این بار از فرزندزاده (کیخسرو) به نیا (فریدون) نسبت داده شده و این شاید به سبب مشترکات بسیاری باشد که میان شخصیت و سرگذشت فریدون و کیخسرو دیده می‌شود و گاه این دو را از مرز مشابهت به حد همسانی می‌رساند. مواردی مانند: کشته شدن پدر هر دو به فرمان نموده‌های انسانی اهریمن، پرورش هر دو در کوه و به دست دیگران، کوشش و اندیشه‌ی اهریمن برای کشتن آنها در کودکی، گذشتن از آب (اروند رود و جیحون) و رسیدن به کامیابی و مهتری، کین خواهی خون پدر، گشودن کاخ دشمن (کنگ دژ هوخث ضحاک و کنگ بهشت افراسیاب) پیش از پیروزی نهایی بر او، ظهور سروش بر هر دو، گرفتن و از بین بردن مظاهر جهانی اهریمن، بهره مندی از افسون ایزدی، ارتباط با پزشکی و درمان، ارتباط با هوم و...^{۱۹} شاهنامه نیز کیخسرو را چنین توصیف می‌کند:

فریدون گرد است گویی به جای به فرّ و به چهر و به دست و به پای^{۲۰}

احتمال دیگری که درباره‌ی علت انتساب جام به فریدون نباید از نظر دور داشت، ارتباط این پادشاه با جشن و بزم و شادخواری است و مهم‌ترین گواه این پیوند، بنیان‌گذاری جشن مهرگان از سوی اوست^{۲۱} که یکی از لوازم آن ساغرگیری و باده‌گساری بوده و شاید از همین روی جام شراب فریدونی - آن گونه که مثلاً در بیت منجیک می‌بینیم - کاربرد یافته است. جالب اینکه در وصف بزم روز مهرگان در گرشاسپ نامه از «جام زر ده منی» مخصوص فریدون یاد شده است:

یکی ده منی جام زر پر نیند ندانستی آن را بجز شه کشید

به یاد نریمان، شه آن نوش کرد نریمان همیدون به یادش بخورد^{۲۲}

اینکه آیا جام فریدون هم مانند جام کیخسرو خاصیت جهان نمایی یا ویژگی عجیب دیگری داشته است یا نه؟ از شواهد سخت اندکِ مربوط به آن در ادب فارسی بر نمی‌آید و فقط بر پایه‌ی گزارش بهمن نامه می‌توان گفت که این جام نیز جهان بین بوده است. ضمن اینکه زین العابدین شیروانی از بین کتابهایی که به شه‌ریاران حماسی - اساطیری ایران نسبت داده،^{۲۳} تنها کتاب فریدون را «جام گیتی نمای» نامیده است و این خود می‌تواند نکته‌ی قابل توجهی باشد. آیا در تأویلات و گزارشهایی که بعد از شاهنامه درباره‌ی چستی جام جهان نما در روایات ایرانی ارائه شده - و غالباً آن را اسطربلاب دانسته‌اند - او نیز جام جهان بین فریدون را «کتابی» حکمت آمیز دانسته است؟

در هر حال اشاره‌ی منفرد و در عین حال ناستوار بهمن نامه به دلیل قدمت و اصالت این متن، باب بررسی‌های بیشتر درباره‌ی «جام فریدون» را باز می‌گذارد و ممکن است با یافته شدن شواهد و قراین احتمالی دیگر موضوع روشن‌تر شود.

یادداشتها

- ۱- ایرانشاه‌بن ابی‌الخیر، بهمن‌نامه، تصحیح دکتر رحیم‌عفیعی، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۰، ۴۳۴، بیت ۷۳۹۲-۷۳۹۵.
- ۲- در میان دست‌نویسهای مورد استفاده‌ی مصحح بهمن نامه، نسخه‌ی پاریس و چاپ بمبئی (۱۳۲۵ ه.ق) در این مصراع به جای «بخشش» صورت «جشن» را آورده‌اند. رک: بهمن نامه، ص ۴۳۴، زیرنویس ۵.
- ۳- درباره‌ی اهمیت و انواع جام در تاریخ و فرهنگ ایران، رک: ارجح، اکرم. «جام (۱)»، دانشنامه‌ی جهان اسلام، بنیاد دایرة المعارف اسلامی، ۱۳۸۴، ۲۸۵/۹-۲۹۴.
- ۴- این دو جام، نامدارترین و بحث‌برانگیزترین نمونه‌های جام ویژه در فرهنگ و ادب ایران است.

۵- رک: فردوسی، ابوالقاسم، شاهنامه، به کوشش دکتر جلال خالقی مطلق - دکتر محمود امیدسالار، کالیفرنیا و نیویورک، بنیاد میراث ایران ۱۳۸۴، دفتر ششم / ۲۳ / ۲۷۹ - ۲۸۱ و ۳۵ و ۳۶ / ۴۳۷ - ۴۴۹

۶- رک: عرفی شیرازی، جمال‌الدین، دیوان، به کوشش جواهری وجدی، کتابخانه‌ی سنایی، بی تا، ص ۱۲۶؛ کتاب مقدّس (عهد عتیق و عهد جدید)، ترجمه‌ی فاضل خان همدانی، ویلیام گرن و هنری مرتن، انتشارات اساطیر ۱۳۸۰، صص ۶۳، ۶۴ و ۱۰۸؛ Jones, Alison. Larousse Dictionary of World Folklore, Larousse plc, Britain 1995, pp. 207-208
۷- رک: خواجه‌ی کرمانی، کمال‌الدین ابوالعطا، همای و همایون، تصحیح کمال عینی، موسسه‌ی مطالعات و تحقیقات فرهنگی (پژوهشگاه)، ۱۳۷۰، ۱۶ و ۲۰۵

۸- رک: دهخدا، علی اکبر، لغت‌نامه، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم از دوره‌ی جدید ۱۳۷۷، ذیل «جام فرعونی»؛ یاحقی، محمدجعفر، فرهنگ اساطیر و اشارات داستانی در ادبیات فارسی، انتشارات سروش و پژوهشگاه علوم انسانی، چاپ دوم ۱۳۷۵، ۳۲۵

۹- رک: عطّار نیشابوری، فریدالدین محمد، منطق‌الطیر، تصحیح دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی، انتشارات سخن، ۱۳۸۳، ۳۵۵؛ قطران تبریزی، ابومنصور، دیوان (از روی نسخه‌ی محمد نجحوانی)، دنیای کتاب، ۱۳۶۲، ۲۰۶؛ کریستن سن، آرتور، نمونه‌های نخستین انسان و نخستین شهریار در تاریخ افسانه‌ای ایرانیان، ترجمه‌ی دکتر ژاله آموزگار و دکتر احمد تفضلی، نشر چشمه، چاپ دوم ۱۳۷۷، ص ۴۶۲؛ کتاب مقدّس، همان، ۸۸

۱۰- رک: عقیقی، رحیم. فرهنگ‌نامه‌ی شعری، انتشارات سروش، چاپ دوم، ۱۳۷۶، ۱ / ۴۶۲؛ کریستن سن، آرتور، نمونه‌های نخستین انسان و نخستین شهریار در تاریخ افسانه‌ای ایرانیان، همان، ۴۶۲

۱۱- رک: برومند سعید، جواد، حافظ و جام جم، انتشارات پازنگ، ۱۳۶۷، صفحات گوناگون؛ شمیسا، سیروس، «اسطوره‌ی جست و جوی جام»، مجموعه مقالات نخستین یاد روز حافظ، به کوشش کورش کمالی سروستانی، شیراز، بنیاد فارس شناسی، ۱۳۷۷، ۶۸ - ۶۱؛ صرفی، محمدرضا، «جام در ادبیات فارسی»، دانشنامه‌ی جهان اسلام، همان، ۲۹۶/۹ - ۲۹۴؛ عروج نیا، پروانه. «جام در عرفان»، همان جا، ۲۹۸ - ۲۹۶؛ مرتضوی، منوچهر، مکتب حافظ (مقدمه بر حافظ شناسی)، تبریز، انتشارات ستوده، چاپ چهارم، ۱۳۸۴، ۲۳۵ - ۱۵۹؛ معین، محمد، «جام جهان نما»، مجموعه مقالات، به کوشش مهدخت معین، انتشارات معین، ۱۳۶۴، ۱ / ۲۳۱ - ۱۵۹؛

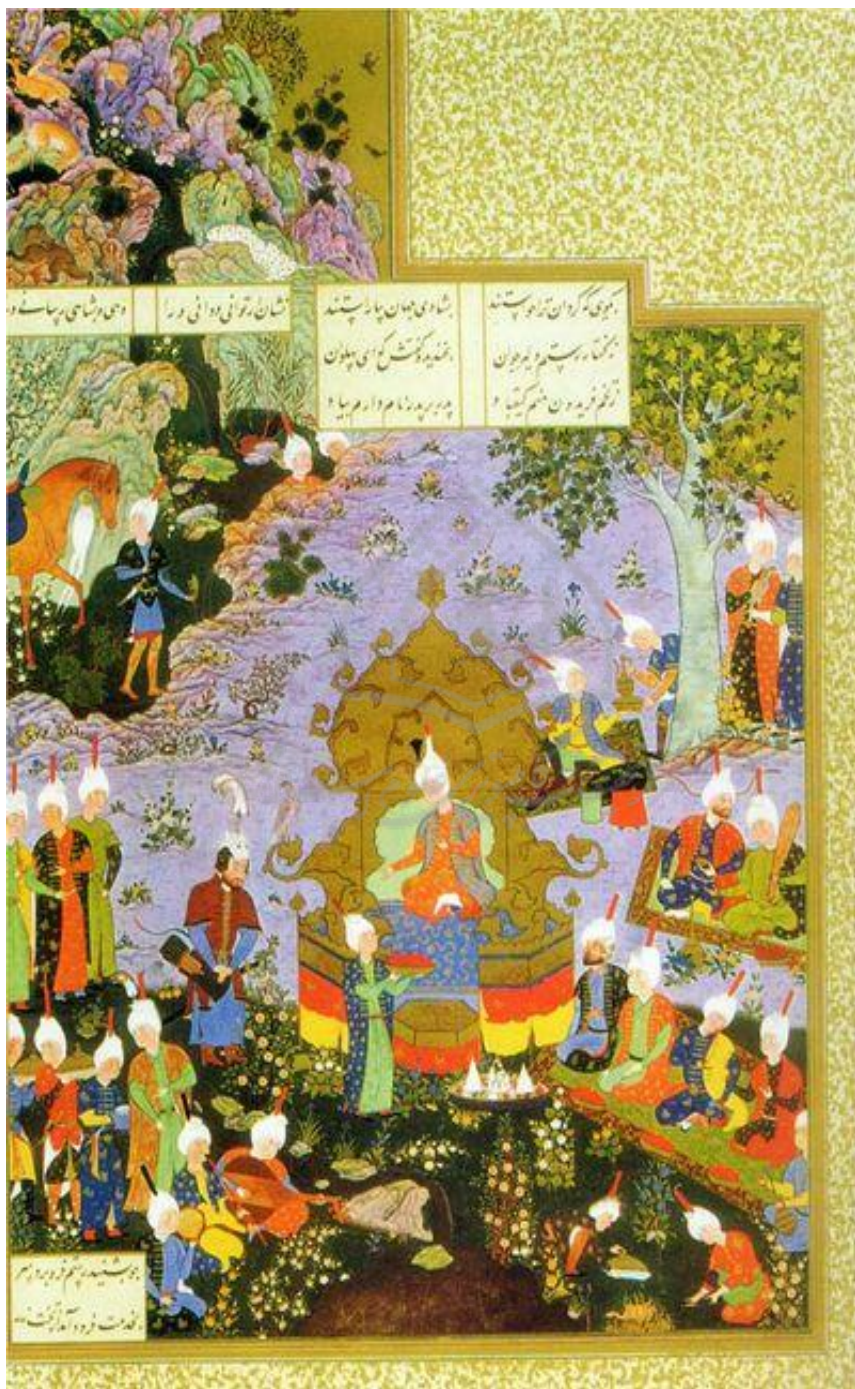
- نامور مطلق، بهمن، «جامهای اسطوره‌ای در ایران و اروپا (جام جم و گرال)»، اسطوره و ادبیات، انتشارات سمت، ۱۳۸۳، ۲۱۸-۲۰۰.
- ۱۲- در این باره، رک: اداره چپی گیلانی، احمد، شاعران هم عصر رودکی، بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار، ۱۳۷۰، ۱۹۰.
- ۱۳- رک: دبیرسیاقی، سید محمد، پیش آهنگان شعر پارسی، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ چهارم، ۱۳۷۴، ۱۵۴.
- ۱۴- اشاراتی نظیر: کمند رستم، علم کاویان، سیمرخ، تخت پرویز، جشن فریدون، کیخسرو، ساغر جمشید و ...، برای دیدن این تلمیحات، رک: دبیرسیاقی، سید محمد، پیش آهنگان شعر پارسی، همان، ۱۵۰، ۱۵۲ و ۱۵۳؛ اداره چپی گیلانی، احمد، شاعران هم عصر رودکی، همان، ۱۹۵، ۱۹۸، ۱۹۹، ۲۰۵، ۲۰۹، ۲۱۲ و ۲۱۵؛ مدبری، محمود، شرح احوال و اشعار شاعران بی دیوان در قرنهای ۳-۴-۵ هجری، انتشارات پانوس، ۱۳۷۰، ۲۱۹ و ۲۳۲.
- ۱۵- نظامی، جمال‌الدین الیاس، شرف‌نامه، تصحیح دکتر بهروز ثروتیان، انتشارات توس، ۱۳۶۸، ص ۳۵۵.
- ۱۶- تألیف زین‌العابدین شیروانی که به سال (۱۳۳۷ ه.ق) پایان یافته و درباره‌ی سرزمینهای مختلف جهان است.
- ۱۷- شیروانی، زین‌العابدین، ریاض‌السیاحه، تصحیح حامد ربّانی، انتشارات سعدی، ۱۳۳۹، صص ۱۶۰ و ۸۴۸.
- ۱۸- درباره‌ی انتساب جام کیخسرو به جمشید، رک: آیدنلو، سجّاد، «جام کیخسرو و جمشید»، از اسطوره تا حماسه (هفت گفتار در شاهنامه پژوهی)، با مقدمه‌ی دکتر محمدامین ریاحی، مشهد، انتشارات جهاد دانشگاهی، ۱۳۸۶، ۱۴۴-۱۲۵.
- ۱۹- درباره‌ی برخی از این همانندی‌ها، رک: سرکاراتی، بهمن. «پهلوان اژدرکش در اساطیر و حماسه‌ی ایران»، سایه‌های شکار شده، نشر قطره، ۱۳۷۸، ۲۴۴.
- ۲۰- شاهنامه‌ی فردوسی، به کوشش دکتر جلال خالقی مطلق، کالیفرنیا و نیویورک، بنیاد میراث ایران با همکاری بیلبوتکا پرسیکا ۱۳۶۹، دفتر دوم/ ۳۶۶، ۲۳۹۵.
- ۲۱- در شاهنامه اشاره شده است که:
- پرستیدن مهرگان دین اوست تن آسانی و خوردن آیین اوست
(خالقی، ۱/ ۸۹/ ۹)

- برای توضیحات منابع دیگر، رک: صدیقیان، مهین دخت، فرهنگ اساطیری- حماسی ایران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۵، ۲۰۷/۱-۲۰۵،
- ۲۲- اسدی توسی، ابونصر علی بن احمد. گرشاسب‌نامه، تصحیح حبیب یغمایی، کتابفروشی بروخیم، ۱۳۱۷، ص ۴۷۴، بیت ۷۴ و ۷۵،
- ۲۳- از قبیل: هدای فرهنگ و کانون منش هوشنگ، خرد جاوید جمشید و مجاس کیخسرو، رک: ریاض السیاحه، ۱۶۰، ۸۴۰ و ۸۴۴.

کتابنامه

- آیدنلو، سجاد، ۱۳۸۶، «جام کیخسرو و جمشید» از ارسطو تا حماسه، با مقدمه دکتر محمدامین ریاحی، مشهد، انتشارات جهاد دانشگاهی.
- اداره چپی، احمد، ۱۳۷۰، شاعران هم عصر رودکی، تهران، بنیاد موقوفات افشار.
- اسدی توسی، ابونصر علی بن احمد، ۱۳۱۷، گرشاسب‌نامه، تصحیح حبیب یغمایی، تهران، کتابفروشی بروخیم.
- ایرانشاه بن ابی‌الخیر، ۱۳۷۰، بهمن‌نامه، تصحیح دکتر رحیم عفیفی، تهران، علمی و فرهنگی.
- برومند سعید، جواد، ۱۳۶۷، حافظ و جام جم، تهران، پاژنگ.
- خواجهی کرمانی، کمال‌الدین ابوالعطا، ۱۳۷۰، همای و همایون، تصحیح کمال عینی، تهران، مؤسسه‌ی مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- دانشنامه‌ی جهان اسلام، ۱۳۸۴، تهران، بنیاد دایرة المعارف اسلامی.
- دبیرسیاقتی، سید محمد، ۱۳۷۴، پیشاهنگان شعر پارسی، تهران، علمی و فرهنگی.
- دهخدا، علی اکبر، ۱۳۷۷، لغت‌نامه (دوره‌ی جدید)، تهران، دانشگاه تهران.
- سرکاراتی، بهمن، ۱۳۷۸، پهلوان اژدرکش در اساطیر و حماسه‌های ایران (سایه‌های شکار شده)، تهران، قطره.
- شمیسا، سیروس، ۱۳۷۷، «اسطوره جست و جوی جام»، مجموعه مقالات نخستین یادروز حافظ، به کوشش کمال سروستانی، شیراز.
- شیروانی، زین‌العابدین، ۱۳۳۹، ریاض السیاحه، تصحیح حامد ربّانی، تهران، سعدی.

- صدیقیان، مهین دخت، ۱۳۷۵، فرهنگ اساطیری حماسی ایران، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی.
- صرفی، محمدرضا، بی تا، «جام در ادبیات فارسی» دانشنامه‌ی جهان اسلام.
- عرفی نیشابوری، جمال‌الدین، بی تا، دیوان، به کوشش جواهری وجدی، کتابخانه‌ی سنایی.
- عطار نیشابوری، فریدالدین محمد، ۱۳۸۳، منطق‌الطیر، تصحیح دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی، تهران، سخن.
- عفیفی، رحیم، ۱۳۷۶، فرهنگنامه شعری، تهران، سروش، چاپ دوم.
- فردوسی، حکیم ابوالقاسم، ۱۳۸۴، شاهنامه (دفتر ششم)، به کوشش دکتر جلال خالقی مطلق، دکتر محمود امید سالار، نیویورک، بنیاد میراث.
- قطران تبریزی، ابومنصور، ۱۳۶۲، دیوان، از روی نسخه‌ی محمد نخجوانی، تهران، دنیای کتاب.
- کتاب مقدس (عهد عتیق و عهد جدید)، ۱۳۸۰، ترجمه فاضل خان همدانی، ویلیام گرن و هنری مرتن، تهران، اساطیر.
- کریستن سن، آرتور، ۱۳۷۷، نمونه‌های نخستین انسان و نخستین شهریار در تاریخ افسانه‌ای ایرانیان، ترجمه ژاله آموزگار و دکتر احمد تفضلی، تهران، نشر چشمه.
- مدبری، محمود، ۱۳۷۰، شرح احوال و اشعار شاعران بی‌دیوان، تهران، پانوس.
- مرتضوی، منوچهر، ۱۳۸۴، مکتب حافظ، تبریز، ستوده.
- معین، محمد، ۱۳۶۴، مجموعه مقالات، به کوشش دکتر مهدخت معین، تهران، معین.
- نامور مطلق، بهمن، ۱۳۸۳، جامهای اسطوره‌ای در ایران و اروپا، تهران، سمت.
- نظامی، جمال‌الدین الیاس، شرف نامه، تصحیح دکتر ثروتیان، تهران، توس.
- یاحقی، محمدجعفر، ۱۳۷۵، فرهنگ اساطیر و اشارات داستانی، تهران، سروش.



کوی که گران تر دو پستاند
بشادی جهان پاد پستاند
نکنند ر پستاند و برین
بختند که گشتند کوی پهلون
تو فریدون تنم کیند
چو برید نام و از هر بیاد

با سینه پشم تو زور و نام
از دست زور و آید گشتند